

به دنبال مقالات «نقش خطوط در کمپوزیسیون تصاویر» نقل مطلب
 زیر را که «ری‌ترز» عکاس و نقاش مشهور انگلیسی در مجله‌ی «فتوگرافی»
 نوشته بود بسیار مناسب دیدم :

معماری تصویر

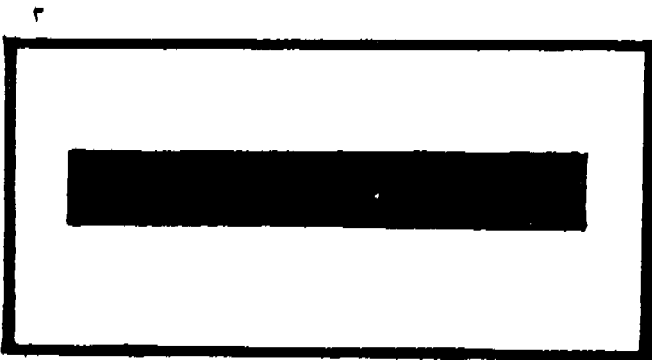
هر موضوع که برای عکسبرداری در نظر گرفته شود آکنده
 از فرم‌ها و خطوط بسیاری است که در میان آنها تعداد کمی از نظم
 نظم و ترتیب بایکدیگر تناسب و ربط میتواند داشته باشد. در نتیجه
 هر عکس تصادفی که بدون دخالت ذوق و فکر گرفته شود ناقص
 و گنگ بنظر خواهد رسید. به عبارت ساده‌تر میتوان گفت که
 نسبت یک عکس تصادفی، عاری از نظم و ترتیب، به تصویری
 منظم و مرتب و دارای نقشه و فرم صحیح همچون هیاهو و صدای
 ناموزونی است نسبت به قطعه‌ی موسیقی زیبا!

بدین ترتیب میتوان گفت که نوعی نظم و نسق، نظام
 و آرایش برای هر عکسی که معنایی قابل فهم از آن انتظار میرود
 لازم است. این نظم و نسق به منزله و مثابه‌ی گرامر تصویر است
 و عیناً مانند دستور زبان قابل تحصیل و تدریس است و باید
 آنرا فرا گرفت اما نباید تصور کرد که بی‌زحمت و به آسانی میسر
 است. همچنانکه هنگام آموختن یک زبان وقت زیاد برای
 دستور آن باید صرف گردد.

عکاسی

(۵)

- ۱- وقار خط قائم - فرم عمودی دارای وقار است. همچنانکه
 در ساختمان‌های بلند، درختان بزرگ و اشخاص بلند قد مشهود است.
 هر نوع انحراف از خط عمود مطلق فوراً به چشم میخورد.
- ۲- شکل دو نیمه - در تصاویر افقی، یعنی تصاویری که عرض آنها
 نسبت به ارتفاعشان کمتر است، فرم عمودی بی‌مناسبتی میتواند آنرا
 دو نیم کند.
- ۳- آرامش افقی - فرم افقی القاکننده‌ی سکون و آرامش است.
 میتواند سرعت را نیز نشان دهد.



انسان طبعاً موجودی است منظم و مرتب. خانه‌هایی که میسازد، دیوارهایی که بر اطراف آن قرار میدهد همه از طرحی هندسی پیروی میکند. حتی دگمه‌های لباسش با فاصله‌های معین و حساب شده دوخته میشود و فواصل آنها بطور ریاضی قابل مقایسه و محاسبه است.

از طرف دیگر موجودی است متوازن. شاهکار موازنه‌ی انسان راه رفتن قائم و راست اوست؛ انسان وقتی ایستاده است وضع عمودی دارد، در حالت خمیدگی و زاویه‌دار می‌افتد و بالاخره هنگام خواب و استراحت وضع افقی به‌خود می‌گیرد. این دو خصوصیت انسانی، یعنی «نظم» و «موازنه» (که در حقیقت رابطه‌ی علت و معلول باهم دارند) شامل حس

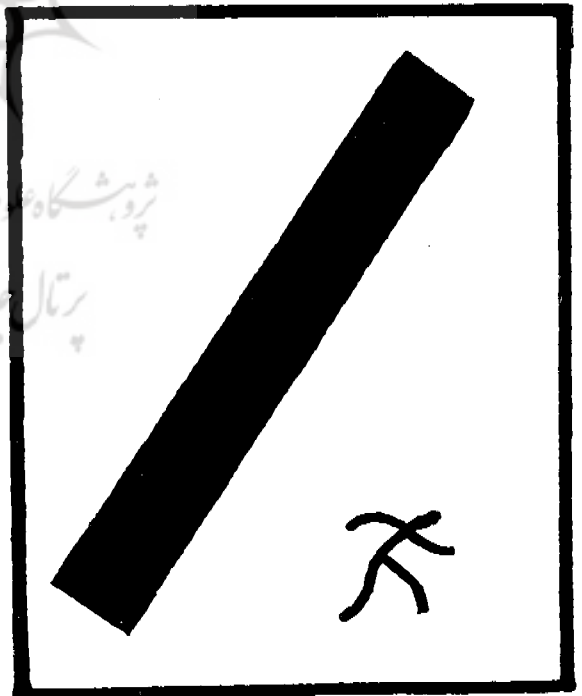
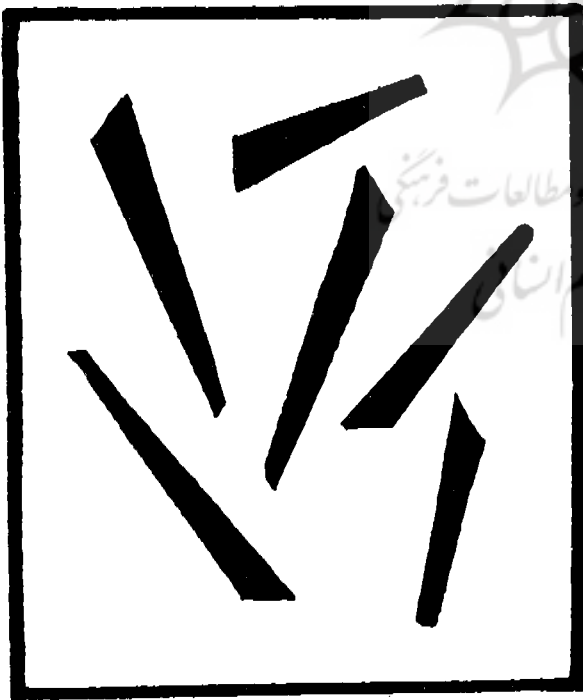
بصره‌ی انسان نیز هست و چشمش به این «نظام و تعادل» خو گرفته و تربیت یافته است.

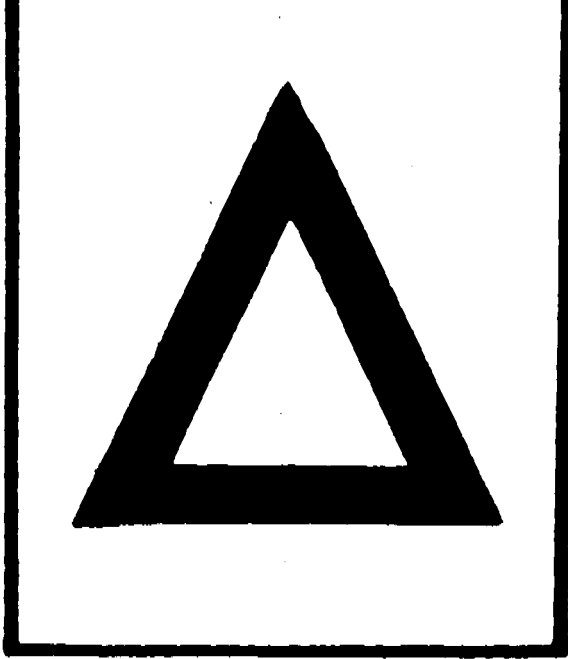
خصوصیات دیدرا در اینجا به شکل تابلوهایی مشاهده میکنید که در آنها فرم‌های مجرد و جهات مختلف بامعانی خاصشان نشان داده شده‌اند. شکل‌هایی که به نظر تان میرسد طرح‌های ساده شده‌ی است از طرز دید مرتب و آراسته. گرچه اینها فرم‌های مجرد و انتزاعی (آبستره) بیش نیستند اما به خوبی میتوانند گویای احساسی باشند که از آنها برمیخیزد. این معانی، بدون دقت و بطور دلخواه به شکل‌های مزبور عطف نشده، بلکه مخلوق تأثیر قوای طبیعی است که انسان به حکم تجربه‌ی روزانه آنها را فرا گرفته است، و نیز، این معانی کشفی جدید نیست و از روزگارانیکه بشر به یاد دارد آنها را دیده و احساس کرده است.

این فرم‌ها و جهات مجرد از لحاظ عواطف و تأثرات، و نیز، از نظر نظم و ترتیب در تماشای تأثیر میکند. برای مثال میتوان صحبت از وقار و استواری خط عمود کرد که نه تنها به علت موازات با تأثیر نیروی جاذبه، بلکه از لحاظ اینکه تکراری از دو طرف چهارچوب مستطیلی است، معنی مزبور را تأیید میکند. بدین علت خط‌های عمود و قائم متعددی میتوان در یک تصویر عمودی جای داد بدون اینکه تشویش و آشفتگی به وجود آید. هم بدینگونه است حال و وضع خطوط افقی در یک تصویر افقی.

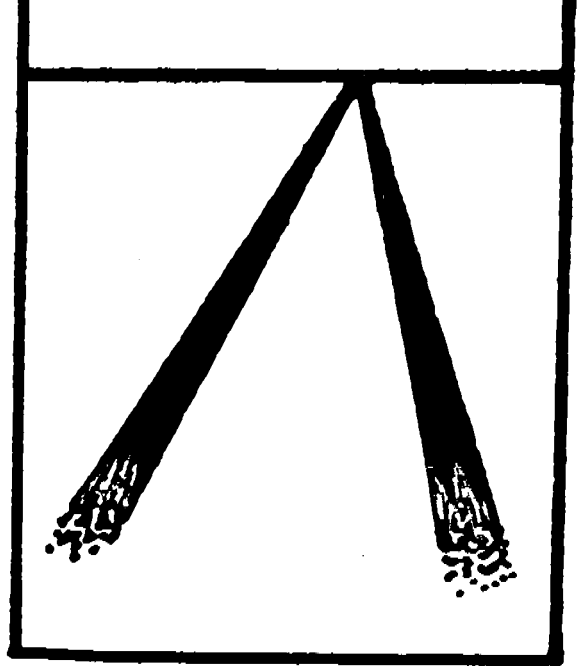
۴ - زوایای سقوط - عبارت از سقوط عمودی است به طرف افقی. به همین جهت نمایندگی حرکت میباشد.

۵ - زوایای دینامیک - زوایای مختلفی که در آنها خطوط افقی و عمودی وجود نداشته باشد القاکننده‌ی هیجان، شدت، انفجار و نظایر آن است. زوایای دینامیک ناپایدارند.





۷- مثلث ثابت و استوار - مثلی که بر سطح تصویر موازی باشد ثابت و استوار بنظر میرسد اما اگر از آن دور شود، مانند زاویه‌ی فضایی، بعد سوم (عمق) خواهد بود.



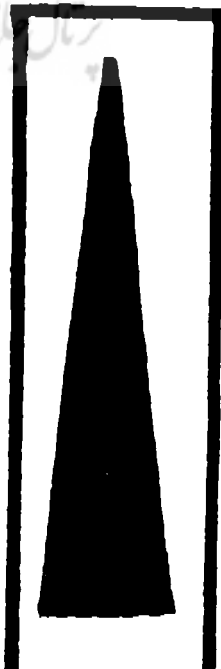
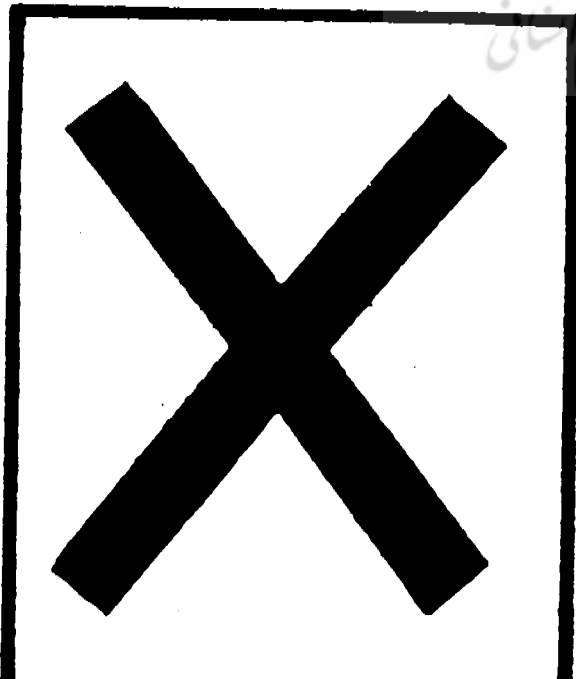
۶- زوایای فضایی (پرسکتیو) - از زوایایی که نوک آنها به‌سوی افق باشد احساس عمق میشود و فضای تصویر را نشان میدهد. اما این عمق و فضا با حقیقت و فضایی که در دنیای ما وجود دارد بسیار متفاوت است.

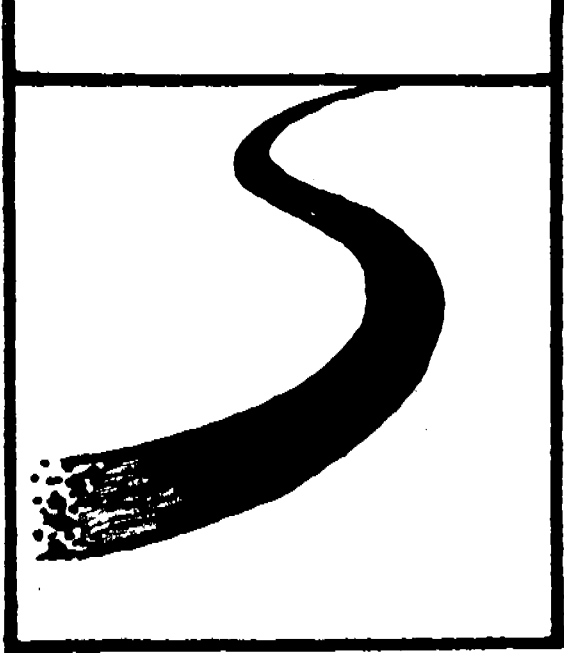
به‌دنیای تصورات و تخیلات باز میشود. درست است که تصویر باید نظم و ترتیبی داشته باشد، اما مبالغه در این زمینه نیز موجب بروز یکنواختی میگردد و لازم است که نظم و ترتیب هم تنوعی دربر داشته باشد. با چنین توضیحات و دستورات عمل‌هایی شاید گفته شود: عکاس که هیچیک از آزادی‌عمل‌های نقاش را ندارد چگونه

۹- دو قطر متقاطع - اگر آزادانه و تصادفی رویهم قرار گرفته باشند القاکننده‌ی برخورد، پیکار، خصومت، رقابت و اختلاف میتواند باشد. در صورتیکه بطور دقیق و هندسی رویهم واقع شوند از آن احساس ثبات و استواری خواهد شد.

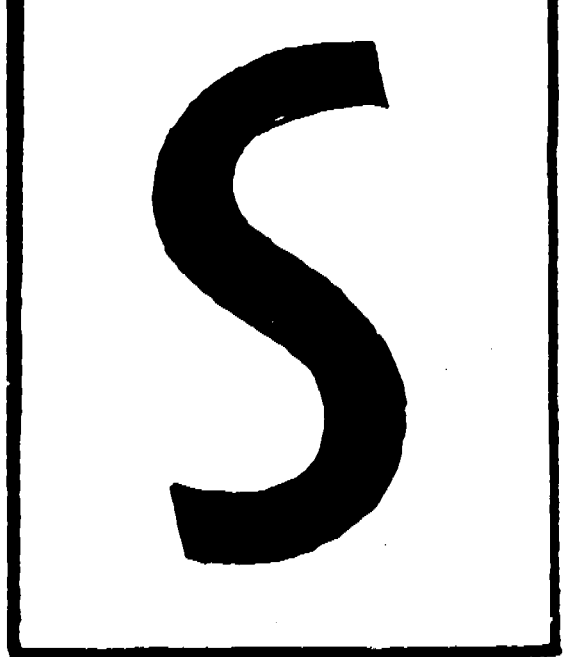
اما مجموعه‌یی از منحنی‌ها و زوایای مختلف تولید آشفته‌گی میکند و ربط‌دادن آنها به یکدیگر کاری است مشکل. شکل‌های مثلث، همچنانکه در اسکلت بناها و ساختمان‌ها مشهود است، القاکننده‌ی حس ثبات و استحکام و استقامت است. یک انحنا ساده و زیبا به راحتی و آسانی از طرف نگاه تعقیب میشود و منحنی ماریچی و خم‌اندرخم و یا لطیف راهی است که

۸- مثلث‌های تنظیم‌یافته - مثلث بلند رابطه‌ی مستقیم با شکل عمودی دارد. یعنی اگر تصویری عمودی و بلند باشد چنین مثلثی با آن مناسب خواهد بود. مثلث کوتاه و پهن برای تصویر افقی بهتر است.





۱۱ - منحنی فضایی - از يك منحنی که رفته رفته باریکتر شده و از ما دور میگردد احساس فضا و بُعد سوم خواهد شد. درتصاویری که چنین خطوطی وجود داشته باشد نگاه تماشاگر به دورها کشیده خواهد شد.



۱۰ - منحنی مسطح - چشم باریتم و به سهولت و آزادی میتواند يك منحنی هندسی را، که بطور مسطح بر سطح تصویر قرار یافته، تعقیب کند.

و صحیح استفاده کرد. این عوامل همچنانکه میتوانند کمک مؤثری در راه ساختن بکنند، در صورت عدم اطلاع و بی دقتی قادر به خرابی و انهدام نیز میباشند. گاهی فاصله‌ی میان این دو فقط چند سانتی متر است: یک قدم به راست یا چپ رفتن، اندکی پاشنه‌های پارا بلند کردن و یا چمباتمه زدن قادر است تصویری را از حالت ابتدال به شاهکاری تبدیل کند.

۱۳ - منحنی‌های باوقار - منحنی‌های عمودی که در قسمت بالای آنها انحنا و خمیدگی شدت مییابد القاکننده‌ی وقار است. بهترین مثال ساختمان کلیساهای عظیم سبک گوتیک میباشد که از همین فکر الهام گرفته. این منحنی‌ها همچنین قادرند غم و اندوه برانگیزند.

میتواند دست به این کارها بزند؟ فکر و سؤال کاملاً درست و بجایی است. يك عکاس هرگز آزادی‌های يك نقاش را نمیتواند به دست آورد. ارزش هنری عکاسی نیز در همینجاست. پیش از گرفتن هر عکس باید موضوع را به دقت بررسی کرد و از خط‌ها، زاویه‌ها و جهت‌ها برای فراهم ساختن وحدت تصویر و ایجاد کمپوزیسیون زیبا

۱۴ - منحنی‌های حرکت و عمل - منحنی‌های هندسی اگر با هم رابطه‌ی موزون و ریتمیک داشته باشند میتوانند احساس شادی و خوشی بیافرینند. نگاه به آسانی و سهولت از یکی به دیگری منتقل میشود.

